



از آستین شعر

آدونیس

ترجمه صالح بوعدار



| از آستین شعر |

آدونیس، ۱۹۳۰-م.

Adunis

از آستین شعر/ آدونیس (علی احمد سعید اسیر)؛ ترجمه صالح بوعلدار
تهران: نشر ثالث، ۱۴۰۲
۴۵۶ ص.

شابک: ۹۶۲-۹۶۵-۴۰۵-۶۰۰-۹۷۸

کتاب حاضر از منابع مختلف نویسنده گردآوری و ترجمه شده است.
شعر عربی — سوریه — قرن ۲۰م. — ترجمه شده به فارسی

شعر فارسی — قرن ۱۴ — ترجمه شده از عربی

شناسه افزوده: بوعلدار، صالح، ۱۳۶۰، مترجم

رده‌بندی کنگره: PJA۴۸۴۸

رده‌بندی دیویی: ۸۹۲/۷۱۶

شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۳۰۹۷۷



PEFC FSC

Paper from well-managed forests
and controlled sources.

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع
کاملاً مدیریت‌شده تهیه شده است.

از آستین شعر

آدونیس

ترجمه صالح بوعدار





از آستین شعر

آدونیس

ترجمه صالح بوعدار

ویراستار: شادیه غفاری

صفحه آرا: زهرا پوریافر

طراح جلد: حمید باهو

مجموعه شعر جهان

چاپ اول: ۱۴۰۲ / ۴۴۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نشر ثالث

شابک: ۹۶۲-۹۶۰-۴۰۵-۶۰۰-۹۷۸

همه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

قیمت: ۳۸۰۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / شماره ۱۵۰ / طبقه چهارم

فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / شماره ۱۴۸

فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت / مجتمع ایران مال / طبقه G3 / شماره ۱۸۳

فروشگاه شماره سه: پاسداران / میدان هروی / مجتمع هدیش مال / طبقه ششم

تلفن گویا: ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۰۲۴۲۷ - ۷ - ۸۸۳۲۵۲۷۶

salesspublication.com @salesspublication

فهرست

۵۵	سفری پندارین	۱۳	سخن مترجم
۵۶	رسول ستوه	۱۶	پیشگفتار
۵۷	آن ابری	۳۵	خاتون
۵۸	سیمای انسان	۳۶	درخت زیتون
۵۹	دوزخ	۳۷	تنانگی
۶۰	نهانخانه‌ی راز	۳۹	ماه
۶۱	آغاز سخن	۴۰	مسیح
۶۲	تاریخ	۴۱	آستین شعر
۶۳	هشیاری	۴۲	پسرک دویده در حافظه
۶۴	رقص علف	۴۸	عشق
۶۵	شوریده	۴۹	سرگشته
۶۶	سنگ‌ها	۵۰	ابو بکر صنوبری
۶۷	اشارت	۵۱	ابن رومی
۶۸	نیلوفر آبی	۵۲	نامه
۶۹	شطح	۵۳	سفری پندارین
۷۵	عشق	۵۴	به نام او

۱۰۷	سرزمین معنا	۷۶	خواب
۱۰۸	تاریخ	۷۷	سخن
۱۰۹	سپیده	۷۸	حسین بن ضحاک
۱۱۰	ابهام	۷۹	تشنگی
۱۱۱	اهریمن	۸۰	زنان
۱۱۲	لجّه‌ی بی‌خوابی	۸۱	روشنایی
۱۱۳	ستاره	۸۲	ظلمات
۱۱۴	احمد بن حنبل	۸۳	زن
۱۱۵	زبان اشیا	۸۵	زخم
۱۱۶	حفره	۸۶	زهدان حافظه
۱۱۷	نقاب	۸۸	غبار
۱۱۸	ماه	۸۹	زنی رومی
۱۱۹	سیما	۹۰	زن
۱۲۰	تبرها	۹۲	چراغ جادو
۱۲۱	تشابه	۹۳	آدونیس
۱۲۲	آینه	۹۴	عصیان
۱۲۳	القبا	۹۵	سرزمین نبودن
۱۲۴	سایه	۹۶	رخساره
۱۲۵	ارغوان	۹۷	گلِ پگاه
۱۲۶	خواب	۹۸	میغ
۱۲۷	ماه	۹۹	گرفته
۱۲۸	گلوی خونین	۱۰۰	عطش
۱۲۹	قافله	۱۰۱	آغاز مرگ
۱۳۰	غبار	۱۰۲	ترانه‌ی تن
۱۳۱	اعتماد	۱۰۳	پیشگویی
۱۳۲	عبث	۱۰۴	مملکت اشیا
۱۳۳	تن	۱۰۵	روح جنگل
۱۳۴	بید	۱۰۶	هستی

۱۶۳	ستاره‌ی والا	۱۳۵	شعر
۱۶۴	گِل	۱۳۶	هبوط
۱۶۵	باران	۱۳۷	سوختن
۱۶۶	دیوانگی	۱۳۸	ققنوس
۱۶۷	شمایل	۱۳۹	گفتمان
۱۷۱	کودکان	۱۴۰	گل سرخ
۱۷۲	جستجو	۱۴۱	نانبیا
۱۷۳	دردانه	۱۴۲	خواستن
۱۷۵	فقه	۱۴۳	محو
۱۷۶	اشیا	۱۴۴	ستاره
۱۷۷	ناپیدا	۱۴۵	ویرانی
۱۷۸	گُل خون	۱۴۶	جراحی
۱۸۰	گُل گریستن	۱۴۷	شیخ
۱۸۱	گُل سوری	۱۴۸	اطمینان
۱۸۲	گُل شناور	۱۴۹	کلاغ
۱۸۳	نور	۱۵۰	افسردگی
۱۸۴	رویا	۱۵۱	سفری پندارین
۱۸۵	بالین	۱۵۲	پرسش
۱۸۶	پگاهان	۱۵۳	شکوفه
۱۸۷	هجرت	۱۵۴	روزگار
۱۸۸	سرگشتگی	۱۵۵	راز
۱۸۹	عشق	۱۵۶	نور
۱۹۰	انسان	۱۵۷	آینه
۱۹۱	سرزمین سرد	۱۵۸	طَیْران
۱۹۲	تجربه	۱۵۹	شاخه
۱۹۳	سمنون صوفی	۱۶۰	زنی، پیشگوی
۱۹۴	شاعران	۱۶۱	گورستان
۱۹۵	ستارگان مصیبت	۱۶۲	تنهایی

۲۲۵	خطا	۱۹۶	ابراندوه
۲۲۶	آن گلی	۱۹۷	بیابان
۲۲۷	آن پیری	۱۹۸	زندگانی
۲۲۸	آشیان زن	۱۹۹	آغاز شعر
۲۲۹	معنا	۲۰۰	عطر
۲۳۰	ترانه‌ای برای راز	۲۰۱	شن
۲۳۱	نشانی	۲۰۲	کنکاش
۲۳۲	آن چشمه‌ای	۲۰۳	شقاوت
۲۳۳	ردای شب	۲۰۴	تمثال
۲۳۴	جراحت	۲۰۵	عید
۲۳۵	فردا	۲۰۷	کودک
۲۳۶	نکته	۲۰۸	کیمیای زخم
۲۳۷	واحه	۲۰۹	گریستن
۲۳۸	مور	۲۱۰	سرگشتگان
۲۳۹	صبح	۲۱۱	شورش تن
۲۴۰	تیغ	۲۱۲	هبوط
۲۴۱	مرگ	۲۱۳	اذان
۲۴۲	او	۲۱۴	دریا
۲۴۳	گور	۲۱۵	شور
۲۴۴	غیب	۲۱۶	روح
۲۴۵	گمان	۲۱۷	استغنا
۲۴۶	مادر	۲۱۸	سرای
۲۴۷	کم گشتگی	۲۱۹	شک
۲۴۸	روشنا	۲۲۰	جلاد
۲۵۰	مرگ	۲۲۱	سه پلاکارد بر درگاه شهر هاء
۲۵۱	خون جهنده	۲۲۲	آدم
۲۵۲	شهر	۲۲۳	مناره
۲۵۳	پیشگوی	۲۲۴	بهلول مجنون

۲۸۷	سنگ	۲۵۴	خوشه‌ای
۲۸۸	نی شکسته	۲۵۵	مبعث نور
۲۸۹	پندار	۲۵۶	کودکان
۲۹۰	مزیدن	۲۵۷	بودلر
۲۹۱	زخم زمین	۲۵۸	چشم‌هایش
۲۹۶	از کجا و چگونه	۲۵۹	روزان
۲۹۷	آینه‌ی رویا	۲۶۰	رویا
۲۹۸	دو شاعر	۲۶۱	ابی‌الحسن سری
۲۹۹	اکنون	۲۶۳	خموشی
۳۰۰	آنان	۲۶۴	عطش
۳۰۱	غرس	۲۶۵	گل سرخ
۳۰۲	راه	۲۶۶	فاصله‌ها
۳۰۳	چهره‌ی زنی	۲۶۹	آتش
۳۰۴	آن‌یقین	۲۷۰	شگرف
۳۰۵	آن فیلسوفی	۲۷۱	ژرفا
۳۰۶	پوئیلن	۲۷۲	زن
۳۰۷	مخیله	۲۷۳	آبگینه
۳۰۸	آستین افق	۲۷۴	زن
۳۰۹	نویاوه	۲۷۵	همسرایان
۳۱۱	نامه‌ها	۲۷۷	نیوشیدن
۳۱۴	تاویل	۲۷۸	نقاب
۳۱۵	باغ‌های شب	۲۷۹	خموشی
۳۱۷	خورشید	۲۸۱	آینه‌ای برای پریش
۳۱۸	دریوزه‌گر	۲۸۲	زنجیر
۳۱۹	آذرخش	۲۸۳	رهایی
۳۲۰	پریش	۲۸۴	آینه‌ای برای قرن بیستم
۳۲۱	سراب	۲۸۵	آینه‌ی طواف
۳۲۲	ترانه‌ای برای زن	۲۸۶	کیمیای نرگس

۳۵۳	جنگل	۳۲۳	ترانه‌ای برای مرد
۳۵۴	سرشت	۳۲۴	دگردیسی
۳۵۵	جراحت‌ها	۳۲۵	آتی
۳۵۶	غبار	۳۲۶	شبهانه
۳۵۷	محو	۳۲۷	عریانی
۳۵۸	شیدایی	۳۲۸	قریه
۳۵۹	نیوشیدن	۳۲۹	کهنسالی
۳۶۰	سرشاری	۳۳۰	همسرایان
۳۶۱	کاش	۳۳۱	روذن
۳۶۲	بر تن کردن	۳۳۲	در آویختن
۳۶۳	بی‌کرانگی	۳۳۳	پریان
۳۶۴	ابر	۳۳۴	خواب
۳۶۵	حیرانی	۳۳۵	زن
۳۶۶	چرخ زمان	۳۳۶	شورش
۳۶۷	مویه‌ی آدم	۳۳۸	اسرار
۳۶۸	حضور مرگ	۳۳۹	سایه‌روشن
۳۶۹	سراب	۳۴۰	کاوش
۳۷۰	شگفتی	۳۴۱	خاک
۳۷۱	بیداری	۳۴۲	ستیز
۳۷۲	سلاله	۳۴۳	نیلوفر آبی
۳۷۴	روزگار	۳۴۴	خیابان
۳۷۵	لجّه	۳۴۵	شهبانوی علف
۳۷۶	هم‌سرایان	۳۴۷	خواری
۳۷۷	تن	۳۴۸	دانستگی
۳۷۸	چشم‌ها	۳۴۹	درختی
۳۷۹	خورشید تو	۳۵۰	پویه‌ی خورشید
۳۸۰	زبان	۳۵۱	زمان
۳۸۱	رخسار مکان	۳۵۲	تاریخ

۴۱۳	نجوا	۳۸۲	بانو
۴۱۴	ناگهان	۳۸۴	پویه
۴۱۵	تراویدن	۳۸۵	مسافرم
۴۱۶	حکمت	۳۸۶	بی کران
۴۱۷	عزالت	۳۸۷	دزد
۴۱۸	ویرانی	۳۸۸	هستی
۴۱۹	جوهر شب	۳۸۹	خویشتن
۴۲۰	درخت آتش	۳۹۱	قیس مجنون
۴۲۱	زمان	۳۹۲	قندیل گمان
۴۲۲	سفر	۳۹۳	کتاب
۴۲۳	پیر	۳۹۴	آینه‌ای برای پیکر پاییز
۴۲۴	جامه‌ای	۳۹۵	غیاب
۴۲۵	باشنده	۳۹۶	بورش
۴۲۶	عادت	۳۹۷	چهره گم کرده
۴۲۸	آینده	۳۹۸	غرقاب
۹۲۴	منظره (تخیل)	۳۹۹	عرو بن حزام
۴۳۱	رخشانی	۴۰۰	ریه‌ی اشیا
۴۳۲	مناجات	۴۰۱	دست شب
۴۳۳	یله‌گی	۴۰۲	دیدار
۴۳۴	نان	۴۰۳	قیس
۴۳۵	هجرت	۴۰۴	آینده
۴۳۶	یادآوری	۴۰۶	بستر
۴۳۷	تباهی	۴۰۷	کوی شاغور
۴۳۸	انتظار	۴۰۸	چامه
۴۳۹	فروستگی	۴۰۹	اکسیر
۴۴۰	رنجوری	۴۱۰	جوهر تن
۴۴۱	ابدی	۴۱۱	قندیل سیاه
۴۴۲	گرگ	۴۱۲	آراستن

۴۵۱	ترانه‌ای برای مرده‌ای	۴۴۳	فرب
۴۵۲	ترانه‌ای برای نوشتن	۴۴۴	ستوه
۴۵۳	ملاقات	۴۴۵	حریق
۴۵۴	ترانه‌ای برای مسافت‌ها	۴۴۶	آوارگی
۴۵۵	ترانه‌ای برای معنا	۴۴۷	وداع
۴۵۶	مویه	۴۴۹	نخی از دود
		۴۵۰	درد

سخن مترجم

آدونیس یکی از بزرگ‌ترین شاعران زنده جهان است. شاعری که تأثیر شگرفی بر شعر معاصر عرب گذاشته و شعرهایش به اکثر زبان‌های زنده جهان ترجمه شده است. وی هم در بعد کمیت آفرینش شعری، هم در بعد نوآوری‌های شاعرانه، شاعری آوانگارد، پیشرو و ساخت‌شکن است. این امر سوای آثار فراوان پژوهشی و انتقادی اوست.

آدونیس شاعر مدرنی است که در شعر خویش از ذهن و زبان صوفیه و باطنی‌ها تأثیر پذیرفته است و در پروسه شعری و زبان خلاقانه خویش به بازآفرینی نگاه صوفیانه و رؤیایی، بهره‌گیری از بینش تاریخی، به‌گزینی میراث ادبی و فکری جهان عرب و احضار شاعرانه اسطوره‌ها، پرداخته است. شعر آدونیس بر عنصر زبانی و زیباتیت تأکید ویژه‌ای دارد و شعرش سخته و استوار و شکوهمند است. وی نه تنها زیست و تجربه‌های سترگی در شعر معاصر و جریان‌های ادبی دارد؛ نیز میراث‌دار ادب کهن عرب و تجربه و زیست شاعرانه معاصر است. او با نگاهی چالشی و منتقدانه میراث کهن عرب را حلاجی می‌کند و گوهر نابش را برمی‌گزیند.

آدونیس رؤیایی می‌نگرد و لبریکته‌های رؤیایی روح خویش را

با طرحی شگفت و جنون‌آمیز در زهدان زبان فرامی‌فکند و مثل رؤیا مخاطب را در دل افسون لحظه پرتاب می‌کند. وی با حدس و فراستی صوفیانه، با بُراق زبان آفاق شعری را درمی‌نوردد و جهان نوینی از تخیل شاعرانه و هنر شکوهمند می‌آفریند.

او، بر این اساس، خواننده را با خوانش و گفتمان تأویلی ویژه‌ای مواجه می‌کند و غراروی او پایانی باز و تعلیق‌های بی‌شماری می‌گشاید. به باور آدونیس و اکثر باطنی‌سرایان رؤیاپرور رؤیازی، ما رؤیا را فقط دمی می‌توانیم ببینیم و لمس کنیم اما دقیقاً نمی‌توانیم تفسیر کنیم؛ لیک اندکی شاید بتوانیم تأویل نماییم. چرا که عرصه عرصهٔ بینش و شهود است در زبانی رازآمیز.

ایجاز شاعرانه، تصوف، ابهام هنری، نگاه سوررئال و رؤیایی از مشخصه‌های شعر آدونیس است. ذهن و عین، در شعر آدونیس، در بافت و ساختار شگرفی در هم تنیده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را تفکیک کرد. بر این اساس، ترجمهٔ شعر آدونیس اغلب سخت و جان‌فرساست و اگر مترجمی به ظرافت‌ها و ظرفیت‌های شعری آدونیس التفات ویژه‌ای نکند، نمی‌تواند در برگردان شعری او کامیاب شود. با زبان تغزلی معهود نمی‌توان ترجمهٔ شایسته‌ای از شعر آدونیس داشت. چرا که عنصر زبانی شعر آدونیس بسیار فاخر و برجسته است.

در برگردان این مجموعه، علاوه بر این‌که سعی شده است شعریت و برجستگی زبانی اثر حفظ شود، کوشیده‌ایم ساختارشکنی‌ها، تعلیق معنا، فاصله‌گذاری‌ها و چینش و نظم شعرها نزدیک به الگوی عربی آن باشد و رازآلودگی و ایجاز متن محفوظ بماند. دیگر آن‌که از ساده‌سازی و تفسیر شعر در حین ترجمه — آنچنان‌که برخی مترجمان انجام می‌دهند — پرهیز کرده‌ایم تا مسیر مشارکت پویای مخاطب در کشف و شهود متن

همواره گشوده باشد و بخشی از فرآیند به خوانش درآوردن متن مسکوت و سپیدخوانی‌ها بر عهده او قرار گیرد.

این گزینه از کتاب‌هایی چون المسرح و المرایا، مفرد بصیغة الجمع، الاوائل، كتاب المطابقات و الاوائل، كتاب التحولات و الهجرة فی اقالیم النهار و اللیل، كتاب الحصار، اول الجسد آخر البحر، الكتاب، وراق بیع کتب النجوم و تنبأ بیها الأعمی گردآوری شده است.

در پایان، از دوست ارجمندم، جناب آقای دکتر رضا آنسته، که نگارش پیشگفتار و بررسی متن را بر عهده داشته‌اند، قدردانی می‌کنم و مراتب امتنان خویش را باز می‌گویم و نیز سپاسگزار همکاری سرکار خانم شادیه غفاری هستم که با شکیبایی و دانایی متن را ویراستند. همچنین بابت همکاری مدیر محترم نشر ثالث سپاسگزارم که با همراهی و یاری ایشان این مجموعه به زیور طبع آراسته شد و در اختیار خوانندگان ارجمند قرار گرفت.

پیشگفتار

آشکارگی و مستورگی

آدونیس یکی از برجسته‌ترین و اثرگذارترین شاعران جهان عرب و پیشگامان مدرنیته است. حوزه و حیطه اثرگذاری این شاعر عصیانگر، از شعر هم فراتر رفته و سایر جریان‌ها و گفتمان‌های فکری را تحت تأثیر قرار داده است.

علی احمد سعید اسبر^۱ چگونه آدونیس شد؟

شاید هیچ شاعری یا کم‌تر شاعری به سان آدونیس باشد که بی فهم جهان‌بینی و بوطیقای شعری‌اش، نتوان شعر اساساً دشوار و دیریاب و گاه غیرقابل فهمش را فهمید و چشید. بوطیقای شعری آدونیس را باید از شعر او استخراج کرد. از سویی به گمان نگارنده این سطور، نمی‌توان او را با هیچ شاعری — چه در درون جهان عرب چه برون از آن — مقایسه کرد. گزاف نیست اگر بگوییم آدونیس، خود به تنهایی، کهکشان است.

از این رو، آدونیس را فقط با آدونیس می‌توان مقایسه کرد! بر این اساس، این پیشگفتار و آستانه، ضرورتی است اجتناب ناپذیر.

ایستایی و پویایی

«هرگز نمی‌توانی در یک رودخانه دو بار گام بنهی.» شاید هیچ عبارتی مانند این عبارت هراکلیتوس فیلسوف یونانی نتواند مانیفست و نگاه آدونیس را بنمایاند. آدونیس خود نیز به تأثیرپذیری‌اش از نگاه این فیلسوف اذعان دارد: «از نگاه و جهان هراکلیتوس فیلسوف یونانی در باب صیرورت و شدن پیایی تأثیر پذیرفته‌ام.»

این عبارت بنیادین که به معنای پویایی یا زایایی در برابر ایستایی و سترونی پدیده‌ها و به تبع آن معرفت و درک ما از آن‌هاست، در تمامی سیرت و صیرورت شعری و اندیشیدگی آدونیس جاری است تا بدان‌جا که تبدیل به یک سنت شده است. گرچه آدونیس از این واژه «سنت» و محصور کردن وی در آن گریزان است؛ اویی که تمام زندگانی خویش را صرف مبارزه و نقادی و بر هم زدن سنت‌ها — سویه منفی، تاریک و متحجرانه آن — کرده است اما این یک ترکیب متناقض و پارادوکسیکال است، دقیقاً مانند خود آدونیس. مانند آن‌که بگوییم سنت مدرنیته! در این‌جا «سنت»، به معنای خط فکری و وجه غالبی است که جوهره‌اش سنت‌ستیزی مثبت و سازنده است. این پویایی و زایایی ضرورتاً، لازمه‌اش ویرانی و فراروی است برای برافراشتن کاخ آفرینش و تجدد. در این زمینه آدونیس متأثر از نگاه مارکسیستی و نیچه‌ای است: «از مارکسیسم و اندیشه نیچه تأثیر پذیرفته‌ام؛ از آن جهت که معتقد به فراروی‌اند.»^(۱) این امر مستلزم ذهن و روحیه کنجکاوانه، کاوشگرانه و ناسیراب است؛ آدونیس سراب می‌جوید نه آب. آب کم جو، تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست

از همین روی، کنکاش مداوم او در شعر معاصر جهان، به خصوص شعر آمریکایی و فرانسوی است^(۲) که به تبع آن، ساختارها و پارادایم‌های متفاوت و کم‌سابقه‌ای را می‌یابد و می‌زید. در شعر آدونیس، ساختار و محتوا رابطه و پیوند تنانه و اندام‌وار مستحکمی دارند.

این رویه کاوشگرانه، پویا و زایا، از همان ابتدا ملازم و وجه تمایز وی بود. از این رو بود که از تز دکتریش با عنوان ایستا و پویا (عنوان فرعی آن: پژوهشی در ابداع و اتباع نزد اعراب) دفاع کرد. ابداع یعنی پویایی، اتباع یعنی تقلید، ایستایی، واپسگرایی و ارتجاع. نگارش این رساله دکتری، که اکنون از متون کلاسیک و تاریخ‌ساز سپهر اندیشه معاصر جهان عرب به شمار می‌رود، از سوی جوانی که در آغاز راهی خطیر و پرپیچ‌وخم بود، خود حکایتی است دیگر که در مجال و حوصله این پیشگفتار نمی‌گنجد.

آدونیس و مدرنیته

در سپهر و گفتمان اندیشیدگی آدونیس، پویایی به کدامین معنی و در برابر کدام ایستایی است؟ پویایی اندیشه و خوانش هرمنوتیک — آنچنان که مدرنیته مدنظر دارد — هنر، ادبیات و در رأس همه آن‌ها شعر، یکی از مهم‌ترین مصادیق و نمادها نزد آدونیس است. او با توجه به عقب‌ماندگی‌های تاریخی و فرهنگی، این تحوّل و پویایی را برای فرهنگ و انسان عربی بایسته و ضروری می‌داند. او می‌گوید: «همان‌گونه که تلاش می‌کنم شعر را از خواب و رخوت بیدار کنم، می‌پویم تا خواننده را از خواب و کرختی برهانم. شعر من هدیه‌ای نیست که آسان دست به دست شود، بلکه معدنی است که بر مخاطب است در آن فرو رود و توش و توان و استعداد خود برای کشف و شهود شعر و مشارکت شاعر در آفرینشگری را بیازماید و کشف کند.»^(۳)

مدرنیته یعنی پویایی اندیشه و آزادی اومانیسم، که طبیعتاً بدون سکولار کردن جامعه در تمامی حوزه‌ها این امر امکان‌پذیر نیست و آدونیس با درک این حقیقت همواره بر «سکولاریسم» و جدایی دین و قرائت‌هایش از دولت تأکید دارد. او باور دارد که دین نه تنها از دولت سیاست، بلکه از سایر حوزه‌های اجتماعی و هنری نیز باید جدا گردد. آدونیس تأکید دارد که بزرگ‌ترین عقبه و مانع در برابر رشد و پیشرفت جوامع عربی-اسلامی از جمله ادبیات، غیاب سکولاریسم است. او می‌گوید تا زمانی که مواجهه ما با «خدا» و سایر سنت‌ها و ارزش‌ها، در قبال تمدن و انسان، کاویده و بسامان نشود، ادبیات و هنر نمی‌توانند ترجمان نوگرایانه و پویایی از زندگی و انسان باشند و اگر انسان از هر قید و بندی آزاد و رها نشود، جرئت عصیان و فراروی از خط‌های قرمز را پیدا نخواهد کرد.^(۴) چرا که ادبیات و هنر یعنی خلاقیت و خلاقیت یعنی انتخاب و آزادی، و این آزادی مستلزم اراده و سلطه درونی است. برای ساختن جهانی نو و باز پس گرفتن حق تعیین سرنوشت خویش، گریزی از کشتن وی نداریم.^(۵) سکولاریسم در تمامی آثار آدونیس، به خصوص از طریق حضور سرشار اومانیسم، مشهود است. رابطه سکولاریسم و اومانیسم رابطه‌ای دوسویه است. هیچ‌یک بی دیگری امکان‌پذیر نیست. عصر روشنگری و رنسانس با نشان دادن انسان به جای خدا آغاز و امکان‌پذیر شد. عصری که خدا بعدها در آن مرد:

«می‌پویم در رهی،

که می‌رساند مرا به خدای

به پرده‌های آویخته

تا شاید تغییرش دهم.»^(۶)

یکی بودن سنت‌ها و حجاب‌ها در این شعر بر کسی پوشیده نیست

و مدرنیته یعنی پرده‌داری و افسون‌زدایی از این جهان و شعر بازگرداندن مجدد این افسون به جهان. رابطه آدونیس و مدرنیته تنگاتنگ نیست، بلکه آدونیس خود مدرنیته است. میان او و مدرنیته این همانی است؛ البته مدرنیته در بُعد و معنای مثبت و ایجابی و نه سلبی و منفی. آدونیس به سایر ابعاد مدرنیته کاملاً اشراف دارد اما خوب می‌داند گریزی هم از آن نیست. وی معتقد است که مدرنیته فی‌نفسه ارزش ذاتی ندارد و حتی ممکن است باعث پس‌روی و انحطاط گردد، در نگرش آدونیس ارزش مدرنیته به آگاهی و درکی است که ما از قبل آن به دست می‌آوریم و در دل آن پرتاب می‌شویم و در لحظه حاضر می‌خرامیم و از رهگذر آن فرزند زمانه خویش می‌شویم و با گسستن از تقلید و تبعیت، به افق‌های تر و تازه و ناشناخته‌ای می‌رسیم.

مدرنیته رابطه‌ای متفاوت میان واژه و واژه و نیز در سطح زبان بین زبان و جهان، همچنین بین شاعر و جهان است.^(۷) این رابطه حتی فراتر از شعر و وابسته به مسئله «هویت» است؛ هویتی پویا. از این رو رابطه همذات‌پندارنه و تنگاتنگ این دو (آدونیس و مدرنیته) چنان است که آدونیس صراحتاً خود را در شعر و جهان‌بینی خویش مدرن و متجدد می‌خواند. معمولاً هر جا آدونیس از «فردا و آینده» سخن به میان می‌آورد، ناظر به همین مقوله مدرنیزاسیون و تجدد است.

«بانوی من

تجدد، نامم

نامم، آینده

فردایی که می‌آید — فردایی که دور می‌شود.»^(۸)

خصلت مدرنیته در شعر پیشین آشکار است: عدم ثبات و نسبیت زمان و به تبع آن موقعیت انسان و اشیا. «شاعر» و «زمان» همسانند،

چرا که نخست، انسان یعنی سیوررت و صیوررت و نیز تغییر و تحول. دیگر آن که اساس پروسه هنری و خلاقیت، جنبش و زایش است. ابتکار مقوله‌ای است پسینی و نه پیشینی. این زایش و جنبش معطوف به ارادت و خاستگاه سوژه (فاعل شناسا) است. آدونیس با بینش و زیبایی صوفیانه این امر را طرح می‌کند؛ گویی شاعر همواره در بهارانه و نوروز وجود خویشتن همچو طبیعت، روان و متغیر است، با آهنگ و لحنی امیدوارانه: «بکر است»

جمله جهان در من،

به گاه خواستن.»^(۹)

آدونیس اساساً از رهگذر شعر سعی در تغییر و خلق انسان و جهان دارد. او می‌گوید: «شعر همانا خرق عادت است.»^(۱۰) ایمان به این تغییر نیازمند امید و زیستن در لحظه است. آدونیس در گفتگوهای خود اشاره می‌کند که «زمان» وجود ندارد بلکه زمان را انسان خلق می‌کند. تغییر بی امید معنایی ندارد اما امیدی نه از سر خامی و ساده‌انگاری، چرا که آدونیس به شور این جهان و رنج بی‌پایان بشری نیک آگاه است. امید و ایمان شاعر برخاسته از باور وی به انسان و توانایی‌ها و امکانات بی‌کرانش است. این روحیه و باورمندی علاوه بر شعرهایش، در تمامی مصاحبه‌ها و گفتگوهایش موج می‌زند. لحن آرام و دور از انفعال و خشم وی، حتی در برابر سیل تهمت‌ها و انتقاداتی که پس از غربالگری و پالایش و به چالش کشیدن «سنت» اعم از شعر، اندیشه و دین متوجه او می‌شود، حکایت از آن دارد که او با خود به صلح و صفایی درونی رسیده است و کاملاً به راه خویش که همان هنر خویش است باوری تزلزل‌ناپذیر دارد. هفت دهه فعالیت ادبی و هنری و خلق آثاری سترگ گواهی روشن و انکارناپذیر بر این مدعاست.

ادبیات پویا

اما پویایی آدونیس که از آن سخن رانندیم به خصوص در ادبیات لازمه اش چه بوده است؟ پیش از همه مستلزم نگاهی نوست که به زبانی بکر و نو منجر می شود (ساختار، فرم / محتوا)؛ هرچند این دو نزد آدونیس یکی است. آدونیس این نگاه نورا، علاوه بر آن که وامدار استعداد و نبوغ ذاتی خویش است، به همان اندازه مدیون آبخورهای بسیار متنوع فکری و هنری شاعران و اندیشمندان آوانگارد دو حوزه تمدنی عربی-غربی است. چشمه ها و آبخورهای اندیشه و ادبیات وی چنان متنوع و گسترده اند که دکتر ابراهیم محمد منصور در این باره می گوید: «فرهنگ آدونیس در شعرش نمایان است. فرهنگی که گستره شرق و غرب، کهن و جدید را در بر می گیرد. فرهنگ او، نقطه تلاقی کتاب مقدس را با دو پاره عتیق و جدیدش، اساطیر شرقی و یونانی، شعر عربی تمام دوران ها، شعر غربی مدرن، فرهنگ اسلامی و عقاید شیعی امامی و باطنیان و قمرطیان، فرهنگ هندی و ایرانی، کمونیستی و مارکسیستی و نیز فلسفه صوفیه است.»^(۱۱)

این امر به پیچیدگی و ابهام هنری هر چه بیش تر شعر وی انجامیده است اما آدونیس عصیانگر، کسی نیست که مقلد صرف باشد. او آنچه را از اندیشه غربی می آموزد و وام می گیرد، با نبوغ و نگاه هنری ویژه خویش می پرورد و فردیت و شخصیت مستقل خویش را شکل می دهد:

مايلم اعتراف کنم که از فرهنگ غرب بهره گرفته ام اما من از جمله کسانی بوده ام که از آن فراروی کرده اند و به آگاهی و توش و توانی مسلح شده اند که میراث سنت خویش را با نگاهی نو بازخوانی و استقلال فرهنگی و ذاتی خویش را محقق کنند. در این چارچوب نیز دوست دارم اعتراف کنم با مدرنیته شعر عربی از رهگذر سیستم فکری

جاری عربی و بنیاد معرفتی اش آشنا نشده‌ام، بلکه مطالعه بودلر بود که شناخت مرا نسبت به ابونواس دگرگون کرد و شاعرانگی و نوگرایی شعرش را بر من آشکار نمود. خوانش آثار مالارمه اسرار زبان شعری و ابعاد نوگرایی شعر ابوتمام را بر من گشود و نیز مطالعه آثار رمبو، نروال و برتون باعث شد تجربه صوفیانه را، یا تمام شکوه و منحصر به فرد بودنش، کشف کنم. همچنین مطالعه نقد مدرن، مرا به نوگرایی اندیشه و بیان نقادانه جرجانی رهنمون شد؛ به خصوص در آنچه که به شاعرانگی و خاصیت و ویژگی زبانی - بیانی اش متعلق می‌شد. ^(۱۲)

در حوزه تمدن عربی، آدونیس با استمداد از توان و ابزار که غرب به او داده به بازخوانی «سنت» و کل فرهنگ و ادبیات عرب - از جمله کشف منابع ارزشمند و سرشار و نامتناهی و گوهرین تصوف و عرفان اسلامی - پرداخته است. او می‌گوید: سورنالیسم مرا به سوی تصوف سوق داد. ^(۱۳) در این میان، شعر برخی شاعران چالشی و عصیانگر همچون شاعران جاهلی مانند امرؤ القیس و طرفة بن العبد، برای آدونیس بسیار مهم‌تر از شعر دوره اسلامی است. چرا که این شاعران آزادانه و فارغ از هر قید و بند ایدئولوژیک، بودگی را تجربه می‌کرده‌اند. در دوران متأخرتر شاعرانی چون ابوتمام و المتنبی نزد آدونیس اهمیت بسزایی دارند. المتنبی شخصیتی است که آدونیس او را به خاطر فردیت بسیار قوی و شاخصش، با استفاده از تکنیک «نقاب»، در کتاب الکتاب از دل تاریخ استحضار می‌کند و برمی‌کشد. همچنین ابونواس و ابوالعلا و میراث گرانبهای صوفیه به ویژه النّفَری، نزد آدونیس در جایگاه برتر و رفیع‌تری قرار دارند. شاعران یادشده به باور آدونیس، از سنت‌های رایج زمانه خویش تقلید نکرده‌اند و به نشخوار آن‌ها نپرداخته‌اند، بلکه در حال آفرینش و نوپردازی و طرحی نو درافکندن هستند تا جایی که از نظام حاکم و سلطه زمانه خویش سر

باز می‌زنند و افق‌ها و جهان‌های تازه و بدیعی را پیش روی ذهن و زبان مخاطب جوینده و پرسشگر می‌گشایند و او را از ورطه و اسارت ایستایی‌های می‌بخشند. شعر طراح پرسش‌های بزرگ هستی‌شناسانه است. این را هایدگر در هولدرلین به خوبی دریافته بود. اگر شعر غیر از این می‌بود، نقد شعر همواره این قدر حاصلخیز و زرخیز نبود.

این حرکت و جنبش خلاقانه و زایشی را اگر بخواهیم به زبان فلسفی بیان کنیم، حرکتی دیالکتیکی-شالوده‌شکنانه، یا هگلی-دریدایی است؛ دیالکتیک از این حیث که از جدال سنت و مدرنیته آنتی‌تز آدونیس حاصل می‌شود؛ شالوده‌شکنانه از آن جهت که فرجام و غایت معنایی وجود ندارد، چرا که معنا همین بی‌غایتی است. غایت رود همان حرکت و مسیر است حتی زمانی که به دریا می‌پیوندند. دال و مدلول یا نشانه و معنا مدام در حال زایش و تابش گزاره‌های نوینی هستند و هر گزاره انفجار ستارگانی است که از دل آن ستارگانی جدید تجلی می‌کنند. این تنها راهی از مرگ و ایستایی و مانایی متن (تمدن/ انسان) به مثابه آینه تمام‌نمای اندیشه و جان یک ملت-تمدن است. بر این اساس، آدونیس معتقد است: «انقلاب حقیقی در شعر، فقط با فراروی و عدول از اوزان عروضی یا نوشتن شعر منشور حاصل نمی‌شود، بلکه انقلاب حقیقی باید در دگردیسی مفهوم شعر صورت گیرد.»^(۱۲) تغییر مفهوم شعر به آفرینش «ساخت» و «متن» نومی انجامد.

متن نوگرا

از نظر آدونیس متن نوگرا دارای سه مؤلفه است:

۱. در آن چیزی باشد که در متنی پیشینی نبوده و انسان را در برابر ناشناخته‌ای شگفت و بکر قرار دهد.

۲. این ناشناخته رازآلود باید انقطاع معرفتی جمال‌شناسانه‌ای با گذشته تقلیدی و سنتی داشته باشد.

۳. دو مؤلفه سابق را با زبان شعری نوینی به انسان منتقل کند.

این گونه متن مهم و نوگرا، خلاق و مکمل میراث ابداعی بزرگ تمدن ماست.^(۱۵) در واقع متنی جاودان است و رنگ و بوی کهنگی نمی‌گیرد، چرا که تأویل‌پذیر و پذیرای خوانش‌های متعدد و متفاوت است.

آدونیس همان گونه که معیارهایی برای سنجش متن و اثر خلاق و نوگرا دارد، معیارهایی نیز برای قضاوت درباره آفرینشگر خلاق و شاعر حقیقی دارد. او میان دو گروه از شاعران تمایز قائل می‌شود: آنانی که زبان آن‌ها را می‌نویسد و میراث سنت را آن گونه که هست و با همان سبک‌های بیان می‌پذیرند؛ کسانی که زبان را تغییر نمی‌دهند و در برابرش عصیان و پرسش‌های بنیادینی مطرح نمی‌کنند. گروه دیگر، درست برعکس اینانند. این دسته زبان را می‌نویسند و می‌پرورند. آنان کاوشگران و پرسشگران واقعی‌ای هستند که در پی کشف و خلق سبک بیانی نو و بدیعند و از طریق شعر، نگاه و نحوه ادراک رایج و متعارف ما را از جهان دگرگون نموده و رابطه ما را با اشیا و زمانه دچار تحول و دگردیسی می‌کنند.^(۱۶) در این جا شعر به رؤیا بدل گشته و چشم‌انداز گسترده‌ای فراوری مخاطب برای تغییر و تحول خلق می‌کند.

حال این پرسش رخ می‌نمایاند: آدونیس برای دستیابی به تحول و دگردیسی یادشده، در مقام عمل چه کرد؟ نگاهی گذرا به بیش از هفت دهه فعالیت شعری او که همواره در فراز بوده، گواه انکارناپذیر پویایی و عملگرایی اوست. آدونیس از ۱۹۸۸ نامزد دائم جایزه نوبل بوده است. بی‌شک کسی که در آن زمان به این نامزدی رسیده، می‌بایست پیش از آن کارنامه پربار و سترگی را پیشکش کرده باشد. آدونیس با انتشار کتاب

دومش آغانی مهیار الدمشقی در ۱۹۶۱ آغاز می‌شود؛ این کتاب اثری بسیار متفاوت و درخشان است؛ چنان‌که تا امروز، از نقاط عطف تاریخ شعر معاصر جهان عرب به شمار می‌رود. او در آن زمان فقط سی و یک سال داشت! بنابراین او تا امروز حدود شش دهه است که در اوج به سر می‌برد. در عالم ادبیات و هنر، این کاری است اگر نگوییم ناممکن، بسی سترگ و باشکوه است. از دیگر نقاط عطف زندگی آدونیس انتشار مجله شعر به همراه بزرگانی چون یوسف الخال، انسی الحاج، خلیل الحاواری و خالد سعید است. تأسیس این مجله در میانه دهه پنجاه میلادی منشأ اثرات و تحولات سترگ و برجسته‌ای در شعر جهان عرب شد.

شش دهه است که این عنق‌ای تیزپرواز شعر، پویه و پرواز خویش را شروع کرده و تا امروز مدام بلندتر و بالاتر اوج می‌گیرد. بیش از شش دهه است که این شوالیه شعر نام‌آور این آوردگاه است؛ دستاوردی بس عظیم و باشکوه، آن هم در میدان شعر که در کنار کوشش‌ها و جوشش‌های ذاتی، عرصه بختیاری و شوربختی‌هاست؛ شش دهه از خلاقیت شاعرانه، آن هم در عصر هژمونی رمان، که عرصه را بیش از پیش بر شعر تنگ کرده است؛ آدونسی که اکثر جوایز مهم شعری از جمله جایزه جهانی گوته را دریافت کرده اما ید بیضایش از خلعت نوبل کوتاه و دور مانده است، لیک چه باک. آدونیس اولین شخص نیست و واپسین شخص نخواهد بود که نوبل را از او دریغ می‌کنند. کافی است نام تئو چند از بزرگان تاریخ ادبیات چون چخوف، تالستوی، داستایفسکی، کافکا، ناباکوف، جویس، پروست، ویرجینیا وولف، بورخس و ازرا پاوند را به یاد آوریم، اما به راستی آدونیس و تمامی نام‌های ذکرشده، خود نوبل را مزین می‌کنند و بدان اعتبار می‌بخشند.

آثار برجسته

اصولاً آدونیس به گواه اکثر منتقدان متنی کم‌جان و مبتذل ندارد اما طبیعی است که برخی از این آثار از دیگر آثارش والاتر و برجسته‌تر باشند.

کدام و چگونه آثاری او را برکشیدند و «آدونیس» کردند؟

آدونیس شاعر پرکاری است. به طوری که بیش از هفتاد اثر اعم از شعر، نقد شعر، ترجمه، تحقیق، تألیف و گردآوری مجموعه شعر شاعران کلاسیک و معاصر را خلق کرده است. از میان این تألیفات و گردآوری‌ها می‌توان به دو گلچین و گزیده آدونیس از شعر و نثر عربی در تمامی ادوار ادبیات عرب اشاره کرد. هدف آدونیس از گردآوری و گلچین این مجموعه‌ها ارائه نمونه‌های برتر و شایسته ادبیات عرب و تصحیح و فاصله گرفتن از هنجارهای دیکته‌شده و سنتی بوده است. این گزینه‌ها در کنار آثار ابداعی، در راستای پروژه شعری-روشنفکری اوست. تقریباً اکثر منتقدان بر آنند که آدونیس صاحب یک پروژه بزرگ شعری روشنفکری است. طبیعتاً این انتخاب نیز برحسب تعریف وی از شعر و بوطیقای شعری‌اش، که پیش‌تر از آن سخن رانديم، صورت گرفته است. این رویکرد آدونیس، سنجۀ جمال‌شناسانه خوبی برای تشخیص ادبیات و شعر زیبا و ارزشمند است.

از میان آثار سترگ و شگرف آدونیس، آثاری چون دیوان اغانی مهیار الدمشقی، و کتاب کتاب التحولات والهجرة فی اقالیم النهار واللّیل را می‌توان نام برد که به باور همسر او خالده سعید — که خود نیز منتقد برجسته‌ای است — یکی از بهترین و برجسته‌ترین آثار آدونیس است. همچنین کتاب کتاب در سه جلد و بیش از ۱۴۰۰ صفحه، از برجسته‌ترین و سترگ‌ترین آثار اوست. به ویژه کتاب که آن را همسنگ منظومه‌های بزرگی چون ایلیاد هومر و کم‌دی الهی دانته دانسته‌اند. شاعر

در این منظومه، به سیر و صبرورت شعری خویش پرداخته است. این کتاب تفاوت‌های بارزی دارد؛ الکتاب چه در گفتار، چه در نوشتار و چه در گستره متمایز است. تقسیم و صورت‌بندی الکتاب به حق متفاوت و متمایز است. خود آدونیس می‌گوید آن را از سینما الهام گرفته است.^(۱۷) زبان این کتاب همان زبان آدونسی سمبولیستی سوررئالیستی صوفیانه است. بخش زیادی از شعر آدونیس سوررئالیستی است^(۱۸) و این زبان وی را که محصول نگرش او به شعر است، تفسیر می‌کند؛ زبانی هنجارشکنانه، عادت‌ستیز و آشنایی‌زدایانه که همان زبان رؤیا یا فراواقعیت سوررئالیستی است. آدونیس منظومه شعری بسیار مهم و بزرگ دیگری به نام آونیادا دارد که مشتق از لقب آدونیس است و ترجمه فرانسوی آن پیش از اصل عربی‌اش منتشر شده و به سان منظومه‌های هومر و ویرژیل است.

به باور آدونیس، هر چه سویه مستورگی و پنهانگی شعر پررنگ‌تر باشد، شعر تر است و هر چه به آشکارگی بگراید، از شاعرانگی و شعریت شعر کاسته می‌شود، حتی اگر این امر به رمندگی مخاطب منجر شود؛ چرا که آدونیس دغدغه جذب مخاطب را به هر قیمتی ندارد، به طوری که گاه کثرت مخاطب شاعر معاصر را نامحمود و نشان از توطئه پنهان و ضمنی میان شاعر و مخاطب می‌داند گویی که شاعر پیش از آن که به خود معشوقه «شعر» وفادار باشد برای پسند و ذایقه مخاطب خود شعر می‌سازد! شعر سفارشی‌اوی معتقد است گرچه امروزه متأسفانه مخاطب شعر کم‌تر شده، اتفاق مبارک و میمونی رخ داده است، چرا که مخاطبان و خوانندگان مترقی شعر، گزیده‌تر و ژرف‌تر شده‌اند. اگر در گذشته خوانش شعر در سطح افقی بود، امروزه خوانش عمودی شده است و نیاز به تعمق و تأمل بیش‌تری دارد و خواننده، چون شاعر، غواص دریای معانی است. در زمانه ما بیش از هر زمانه دیگری مرگ مؤلف رخ می‌دهد. سرمشق

آدونیس، شاعر بزرگ کلاسیک جهان عرب، ابوتمام است. آن جا که در پاسخ الکندی که از او می پرسد: «چرا آنچه را که به فهم ناید می گویی؟» و او می گوید: «چرا فهم نمی کنی آنچه گفته می شود؟» که به واقع ترجمان: «هر چه در فهم تو آید آن بود مفهوم تو» است. ابوتمام و آدونیس شاعران خواص، و در درجه و مرحله والاتری، خواص خواصند. البته این هرگز بدین معنا نیست که دیگران از شعرشان حظی و لذتی نبرند، بلکه هر کس بر حسب توش و توان خویش از این دریای خروشان می نوشد. با شعر حافظ، بیدل، خاقانی، اخوان، شاملو، بودلر، رمبو، مالارمه، سن ژون پرس و... نیز با چنین حکایت پیچیده و ظریفی مواجهیم. این طبیعت ذاتی شعر معاصر است که همچون اندیشه و زندگی معاصر ژرف و پیچیده است. چرا که شعر بازتاب خود زندگی نیست بلکه خود زندگی است و واژه در شعر خود شیء است.

این امر به معنای بازی با الفاظ و غامض گویی و پرداختن به لغز و معما نیست؛ گرچه متشاعران شیادی هستند که با گل آلود کردن آب از طریق ایجاد تصنع و پیچیده گویی اندیشیده شده، سعی می کنند نام و نانی به دست آورند، غافل از این که، این ره که می روند به ترکستان است. غامض و پیچیده بودن شعر آدونیس جوهری و ذاتی آن است و نه تصنعی و عارضی؛ ناشی از جوهر و وجود شاعر و جهان رازورانه پیرامون اوست؛ از زیست و تجربه هنری و نگاه و نگرش وی به هستی و پدیده ها مایه می گیرد. این رمزآمیزی در زیان و تصویر شعری او بر اساس اصول و معیارهای رتوریک و بلاغی و هنری زیسته وی اتفاق می افتد. این امر در جای جای گزینه شعری پیش رو، از آستین شعر، مشهود است و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. کسی را هم که کوس هل من مزید می زند و طلب و تشنگی است، ارجاع می دهیم به چند نمونه از

منابع مهم جهان عرب که شعر آدونیس را مورد بحث و بررسی مستوفی و ژرفی قرار داده‌اند. در حد آگاهی و اطلاع نگارنده این سطور یکی از بهترین کتاب‌هایی که به صورت تخصصی و ویژه به نقد و واکاوی شعر آدونیس پرداخته، کتاب خانم اسیمه درویش منتقد سوری تحت عنوان *تحریر المعنی و مسار التحولات قرآنة في شعر أدونيس* است. همچنین منتقد برجسته عراقی دکتر صابر محمد عبید کتاب مهمی در این زمینه دارد به نام *شيفرة أدونيس الشعرية (سیمیاء الدال ولعبة المعنی)*. از دیگر کتاب‌ها می‌توان به کتاب *مشروع أدونيس الفكري والإبداعي رؤية معرفية* اثر عبدالقادر محمد مرزاق و نیز به کتاب *التاريخ والتجربة في الكتاب I لأدونيس* اثر زهیده درویش جبور، همچنین به کتاب *الشعر والوجود، دراسة فلسفية في شعر أدونيس* اثر عادل ضاهر، نیز به کتاب *الحقيقة والسراب: قرآنة في البعد الصوفي عند أدونيس* مرجعاً و ممارساً اثر سفیان زدادقه اشاره کرد. آنچه که در کتاب‌های نامبرده نمایان است، خصلت سیالیت، نشانه‌شناسی، رموزوارانگی، تعلیق معنا و چندمعنایی شعر آدونیس است. هرچند به گمان بنده یکی از بهترین کلیدهای ورود به عوالم تودرتوی شعری آدونیس، گفتگوهای مکتوب و شفاهی اوست که به تفصیل در آن‌ها تا حدود بسیار خوبی از گوشه‌ها و کنج‌های شعری، هنری، اندیشیدگی، سیاسی و روحی خویش سخن گفته است.

سخن آخر

اگر بدر شاکر السیاب و نازک الملائکه، چون نیما، شعر عربی را از نظام و نظم عروضی کلاسیک آزادتر و سبک‌بال‌تر کرده‌اند، آدونیس چون شاملو تماماً این نظام را بر هم زد و در هم پیچید و شعر سپید جهان عرب را بنیاد نهاد اما به مراتب و درجاتی پیشروتر و والاتر، چه در سطح زبان و چه

در سطح نگاه. دکتر شفيعی کدکنی دربارهٔ آدونیس می‌گوید: «آدونیس — در معنی خوب کلمه — غرب‌زده‌ترین شاعر عرب است. متجددترین آن‌ها، و در دوزمنیۀ شعر و نقد شعر — به خصوص با معیارهای مدرنیسم غرب — امروز یکتا و بی‌همتاست. یکی از بافرهنگ‌ترین ادیبانی است که من در حوزهٔ ادبیات شرق می‌شناسم.»^(۱۹) همچنین وی دربارهٔ پاره‌ای همانندی‌های شاعران معاصر ایرانی با آدونیس، می‌گوید: «در زبان عربی، تصور می‌کنم آدونیس ترکیبی از شاملو (به خاطر تجربهٔ زبانی و کشف‌های زبانی او) و فروغ (به خاطر حالات و لحظه‌های زندگی یک روشنفکر عصر ما) و سپهری (به خاطر غرابت بیان و انحراف از ثرم در تصاویر)».^(۲۰)

در این‌جا به رسم تقدّم و تقدیر جا دارد از مترجم شایسته و خوب کشورمان زنده‌اد کاظم برگ‌نیسی یاد کنیم؛ کسی که در ترجمهٔ کتاب ترانه‌های مهیار دمشقی آدونیس، امانت، اصالت، دقت و زیبایی را در برگردان شعر آدونیس رعایت کرد. چرا که بخش اعظم ترجمه‌های موجود از شعر آدونیس، سست، ضعیف و نیم‌بند هستند؛ به طوری که مترجمان این آثار حتی از فهم و درک معنای سادهٔ گزاره‌های شعری عاجز بوده‌اند، چه برسد به معنای مجازی و کنایی آن‌ها؛ و خیانت بزرگی به آدونیس و مخاطبانش کرده‌اند. در این‌جا مجال پرداختن به آن‌ها نیست اما مستند و مستدل می‌شود آن را اثبات کرد. برخی از این مستندات خوشبختانه منتشر شده‌اند اما مجموعه شعر از آستین شعر حدیث دیگری است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ترجمهٔ حاضر فهم عالی متن، وفاداری و امانت‌داری آن است. به طوری که در آن بی‌آن‌که زیبایی اثر فدا شود، به بازسرایی شاعرانهٔ آن پرداخته شده است. به نظر بنده، علاوه بر دانش شایستهٔ مترجم، بومی بودن نیز در این امر کمک شایانی به وی کرده

است. انسان زبان مادری اش را خیلی خوب و بهتر از هر کسی می‌فهمد و می‌شناسد. چرا که به قول هایدگر، «زبان خانه هستی است» و انسان در مرکز این هستی است.

باید دانست برای یک ترجمه خوب چه برسد به عالی، زبان مادری کافی نیست و گرنه همه مترجم می‌شدند. بلکه آگاهی کافی و خوب به زبان مبدأ و مقصد و برحسب اصول علمی و ادبی لازم و بایسته است. از این رو از بختیاری‌های ماست که مترجم محترم دکترای زبان و ادبیات فارسی و شناخت خوبی از زبان فارسی دارد؛ شناخت و علقه‌ای عمیق و متین، تا حدی که وی شاعر پارسی‌گوی خوش‌ذوقی است. اشارت به این وجه از شخصیت مترجم از آن جهت است که یک شاعر بهتر از هر کس دیگری می‌تواند شاعر دیگری را تجربه و ترجمه کند، اگر مجهز و مسلح به ابزار لازم باشد. این ذوق و شناخت مترجم، در آثاری که ترجمه کرده‌اند، مشهود است؛ آثاری چون خاطرات آبله‌رو و تاکستانی در رهگذر از میخائیل نعیمه، محاصره، صحنه و آینه‌ها و دگرپسی‌ها و کوچ در اقلیم روز و شب از آدونیس. این سوای ترجمه ده‌ها شعر — که خود کتابی را می‌طلبد — از شاعران نامدار جهان عرب همچون محمود درویش، نزار قبانی، اشراف ال‌خمایسی، البیاتی، محمد الماغوط، محمد عقیفی مطر، عدنان الصایغ، سعاد الصباح، سنیه صالح و... است که در سایت‌ها و کانال‌های معتبر مجازی منتشر شده‌اند. آنچه گفته شد، از سر ستایش، مدیح، مجیز‌گویی و تملق نیست؛ چرا که نه بنده و نه مترجم را از آن حاصلی است نه بدان حاجتی. سند و مدرک ما هم همین ترجمه پیش روست و ترجمه‌های پیشین هم موجود است که می‌توان به راحتی مقایسه و ارزیابی کرد. اهل فن و متخصصان بهتر از همه می‌دانند و خواهند دید که ما با ترجمه‌ای بسیار دقیق، زیبا و شایسته رویرویم.

در پایان امید آن می‌رود که مترجم گرانقدر، ما را در آینده، باز با
ترجمه‌هایی این چنین زیبا و گیرا بنوازد.

دکتر رضا آنسته

دانش آموخته زبان و ادبیات عرب

یادداشت‌های پیشگفتار

۱. ادونیس، فاتحة لبدايات القرن، دار العودة، ۱۹۸۰، ص ۱۶۷.
۲. همان، ص ۱۶۷.
۳. أسامة إسبر، أدونيس، الحوارات الكاملة (۱): ص ۱۸۴.
۴. أدونيس، زمن الشعر، دار العودة، بيروت، ط ۳، ۱۹۸۹م، ص ۷۶.
۵. أدونيس، الثابت والمتحول، بحث في الإبداع والاتباع عند العرب، تأصيل الأصول، دار العودة، بيروت، ط ۲، ۱۹۷۹م، ج ۲: ص ۱۱۳.
۶. أدونيس، الأعمال الشعرية (۱) أغاني مهيار الدمشقي وقصائد أخرى، دار المدى للثقافة والنشر، (سوريا- دمشق، بيروت- لبنان) (د ط)، ۱۹۹۶م، ص ۹۹.
۷. أسامة إسبر، أدونيس، الحوارات الكاملة (۲)، (۱۹۸۱-۱۹۸۶)، بدايات للنشر والتوزيع، (جبله- سوريا)، ط ۱، ۲۰۱۰م: ص ۱۱۱.
۸. أدونيس، أوراق في الريح ((صياغة نهائية))، منشورات دار الآداب، بيروت، (ط. ج)، ۱۹۸۸م، ص ۶۰.
۹. أدونيس، أوراق في الريح ((صياغة نهائية))، منشورات دار الآداب، بيروت، (ط. ج)، ۱۹۸۸م، ص ۱۰۱.
۱۰. أدونيس، فاتحة لبدايات القرن، دار العودة، ۱۹۸۰، ص ۲۸.
۱۱. د. إبراهيم محمد منصور: الشعر والتصوف: الأثر الصوفي في الشعر العربي المعاصر (۱۹۴۵-۱۹۹۵)، دار الأمين للنشر والتوزيع، (د. م)، (د. ط)، (د. ت): ص ۱۱۹. (بتصرف). وينظر أمجد ريان، صلاح فضل والشعرية العربية، دار قباء للطباعة والنشر والتوزيع، القاهرة، (د. ط)، ۲۰۰۰م، ص ۱۰۱.
۱۲. أدونيس. الشعرية العربية: (محاضرات أُلقيت في الكوليج دو. فرانس، أيار ۱۹۸۴م) دار الآداب، بيروت، ط ۲، ۱۹۸۹م: ص ۸۶-۸۷.
۱۳. أدونيس، فاتحة لبدايات القرن، دار العودة، ۱۹۸۰، ص ۱۶۷.
۱۴. أسامة إسبر، الحوارات الكاملة (۲)، ۱۱۰ و رجوع شود به: أدونيس، الشعرية العربية: ص ۹۲-۹۵.
۱۵. أسامة إسبر، الحوارات الكاملة (۲)، ص ۱۰۴.
۱۶. أدونيس، كلام البدايات، دار الآداب، بيروت، ط ۱، ۱۹۸۹م، ص ۱۶۶.
۱۷. رضا عامري، فلك متن در الكتاب؛ روزنامه شرق، شماره ۲۹۴۲، مرداد ۱۳۹۶.
۱۸. مجلة عالم الفكر، الحداثة والتحديث في الشعر، المجلد ۱۹، العدد ۳، ص ۲۷.
۱۹. شفيعی کدکنی، محمدرضا: شعر معاصر عرب، ۱۳۹۳، ج سوم، تهران، نشر: سخن، ص ۲۰۵.
۲۰. همان، ص ۲۰۹.

خاتون

خاتون!

عشق تو

سایه است و عشق من خورشید:

وعدۀ لقای یا قرار فراقی؟

درخت زیتون

آیا درخت زیتون!
پیش آ
بگذار
در آغوش گیردت این آواره
تا بیاساید در سایه‌ات
بگذار
فرو

بارد

زندگانی
خویش،
بر تن عنبرینت
و بگذار ندایت دهد:
ای زن.

تنانگی

جاری

ست

تنت

در تنم.

تنم در میانه دو مادینه:

ذاتِ من و تو.

تنت

نزدیک تر از من به من.

در آغوشم،

تنت؛

نمی خواهم بشناسمش مگر؛

با غیب درونش.

نگاشتن است؛

تَنِمَان

و هریک، کتابی...

آن دگر.

وحی است تَنِمان
تن می زنند از معابد.

تنت
آگاه تر از من به من.

تنت؛
سخن می گویدم
از من.

تنم؛
یکتاست به تنت:
یگانگیِ دوگانه.

تنت
طلسمی ست آنِ من،
چیره بر من.

ماه

یکی ماه
می‌گشاید هر شب
زخمی
در تن زنی.

مسیح

نگاریده؛

پنداری از آغاز زمان بوده.

هر سایه‌ای،

سحابی.

خطوطی

چونان ریشه‌های باران خیالینی.

دستانش،

چشمانش

گنجۀ وحی است و کتاب‌ها.

شمایلی،

رنگ پاشیدش خیالم؛

با جوهرش.

گویی

خدایی،

آفریدش.

مسیح،

آیا زنده است هنوز؟